

شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه

دکتر سیدجلال موسوی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران

چکیده

خوارق عادات و کرامات از اصطلاحات و مفاهیم رایج در گستره عرفان و تصوف است که در بسیاری از متون عرفانی و منابع اهل تصوف از گذشته دور درباره آن مباحثی مطرح بوده است. این مفاهیم همچنین در ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. از این رو شناخت مباحث مرتبط با آنها ضروری است. تحقق این شناخت منوط به مقدماتی است که منبع‌شناسی یکی از آنها است. در این مقاله با نظر به انواع متون عرفانی در دوران‌های مختلف، منابع حاوی خرق عادات و کرامات صوفیه در قالب سه گروه تقسیم‌بندی و بررسی شده است: گروه اول منابعی هستند که عمدتاً «مباحث نظری» خوارق عادت، در آنها مطرح شده است؛ گروه دوم اغلب مصادیق کرامات «عده‌ای» از بزرگان صوفیه را در خود دارند؛ و گروه سوم فقط حاوی انواع خوارق عادات «یکی» از مشایخ و سران صوفیه هستند.

کلیدواژه‌ها: خوارق عادات صوفیه، منابع خوارق، انواع خوارق.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۳

*Email: babak_032000@yahoo.com

مقدمه

ادبیات عرفانی حجم قابل توجهی از میراث ادبی گذشته ما را در بر گرفته است؛ برای نمونه برخی از امهات متون ادب فارسی، نظیر آثار عطار نیشابوری، مولانا جلال الدین بلخی و جامی در زمره ادب عرفانی به شمار می آیند. علاوه بر این منابع، گستردگی و همه‌گیری توجه به عرفان در ادبیات فارسی چنان است که بسیاری از ادبا و شاعرانی نیز که به مشی عرفانی شناخته نمی‌شوند، در آثار خود اصطلاحات و مفاهیم اهل عرفان را مکرر به‌کاربرده‌اند. در این میان، وجود طریقت‌های عرفانی مختلف و مشارب گوناگون صوفیه، باعث شده است مباحث مفصلی درباره برخی از مفاهیم صوفیه شکل بگیرد. (ر.ک. میرباقری فرد و شایان ۱۳۹۱) شناخت دقیق زمینه و گستره این مباحث به مقدماتی نیاز دارد که طبعاً منبع‌شناسی یکی از آنها است؛ زیرا با شناسایی، دسته‌بندی و بررسی متون، زمینه برای تحقیق در کیفیت، علل پیدایش و حوزه معنایی مقولات عرفانی آشکار می‌شود. برای نمونه این که در یک دوره منابع عمدتاً حاوی مفاهیم و در دوره دیگر غالباً در بردارنده مصادیق‌اند، طبعاً برآمده از عوامل و زمینه‌های گوناگونی است که بررسی این عوامل و مقدمات، می‌تواند به شناخت و تبیین تحولات تاریخ تصوف کمک شایانی کند.

یکی از مقولات و مباحث مفصل در منابع عرفانی، «کرامت» و خوارق عادات صوفیه است که در این مقاله انواع منابع آن معرفی و بررسی خواهد شد. کرامت عمل خارق‌العاده‌ای است که از ولی سرمی‌زند و به تعبیر قشیری «فعلی بود ناقص عادات اندر ایام تکلیف، ظاهر گردد بر کسی که موصوف بود به ولایت اندر معنی تصدیق حال او.» (قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۳) از گذشته اعمال خارق عادت و کرامات، مباحثی رایج در نزد صوفیه بوده است و سابقه سخن از آنها به دوران اولین متون تصوف می‌رسد. در کشف‌المحجوب (ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: ۲۷۶-۳۰۷)

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۴۷

که قدیم‌ترین اثر عرفانی شناخته شده به زبان فارسی است تا منابع متأخر، هر یک کم‌وبیش به این مفهوم پرداخته‌اند. پیش از کشف‌المحجوب نیز در متون عرفانی به زبان عربی، نظیر *اللمع* (ر.ک. سراج ۱۹۱۴م: ذیل «کتاب اثبات الآیات و الکرامات») و دیگر متون متقدم موضوع کرامت اولیاء مطرح شده است. بعد از آن دوران نیز، سخن از این مفهوم و مصادیق آن در طول تاریخ تصوف همچنان ادامه یافته است به طوری که گاه به مانند *مصباح‌الهدایه* عزالدین محمود کاشانی جزئی از اثر و بعضاً به مانند *مقامات ژنده‌پیل* بخش وسیعی از متن، به مفهوم و مصادیق آن اختصاص پیدا کرده است.^(۱) از این رو به جرأت می‌توان گفت که در مجموع، حجم مطالب و منابع مرتبط با مقوله کرامت در میان سایر مقولات عرفانی، چشم‌گیر و کم‌نظیر است.

این مبحث علاوه بر متون عرفانی، در ادبیات فارسی نیز مکرر ذکر شده است. مثلاً مولوی در *مثنوی*، حکایات متعددی از کرامات اولیاء نقل کرده است. (ر.ک. مولوی ۱۳۷۳ / ۱ / ۵۸؛ همان: ۲ / ۲۸۹ و ۳۰۰؛ همان: ۳ / ۴، ۳۷۰، ۵۱۵، ۵۱۹؛ همان: ۶ / ۹۹۶) شاعران دیگر نیز به این مفهوم اشاره کرده‌اند. حافظ و شاه نعمت‌الله ولی نمونه‌ای از این شاعران هستند که هر دو با لحن انتقادی، مفهوم کرامت را در اشعار خود به گونه زیر به‌کار برده‌اند:^(۲)

حافظ این خرقه بینداز مگر جان ببری
چندانکه زدم لاف کرامات و مقامات
کآتش از خرقه سالوس و کرامت برخاست
هیچم خیر از هیچ مقامی نفرستاد
(حافظ ۱۳۸۵: ۲۱۰ و ۲۶۸)

مناز از شیخی و زهد و کرامات
از زاهد هشیار کرامات طلب
که این راهی است پرخوف و پرآفات
مستیم و ز ما کشف و کرامات مپرس
(شاه نعمت‌الله ولی ۱۳۸۰: ۹۹۲ و ۱۰۷۹)

بنابراین علاوه بر آنچه از وجود مباحث گسترده خوارق عادات در متون صوفیه ذکر شد، از آنجا که این مفهوم در متون ادب فارسی نیز به صورت گسترده ذکر

شده است، لازم است مقدمات تبیین جامع و فراگیر مباحث مرتبط با آن به طرق مختلف از جمله با شناسایی و طبقه‌بندی منابع فراهم شود. درباره خوارق عادات و مصادیق آنها تاکنون تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است. امکان وقوع کرامت، تبیین فلسفی آن، انواع کرامات و ارتباط آیات و روایات با آن از مباحث عمده‌ای هستند که درباره آنها پژوهش صورت گرفته است. برای نمونه، درباره تبیین فلسفی کرامات ملاصدرا در کتاب *مبدأ و معاد* (۱۳۸۱: ۵۵۰-۵۶۶) بحثی مبسوط دارد؛ جهانگیری (۱۳۸۳) به تبیین عرفان از منظر ابن‌سینا پرداخته است؛ بوذری‌نژاد (۱۳۹۰) تبیین فلسفی معجزه و کرامت را از نگاه سهروردی بررسی کرده است. درباره انواع کرامات مقاله آزادیان (۱۳۸۵) و درباره ارتباط آیات با کرامات مقاله شیری (۱۳۸۹) قابل ذکر است. همچنین درباره امکان وقوع کرامات می‌توان به مقاله رکنی‌یزدی (۱۳۸۹) اشاره کرد؛ اما درباره بررسی و تقسیم‌بندی منابع این مفهوم به جز اشاره‌ای که در مقدمه رساله شهبازی ذکر شده است، مطلبی به نظر نرسید. (ر.ک. شهبازی ۱۳۸۶: ۱۱) شهبازی در رساله خود حکایت‌های کرامات صوفیه را تا قرن هفتم طبقه‌بندی کرده است.

روش و محدوده تحقیق

بنابر آنچه از ضرورت شناسایی منابع حاوی خوارق عادات صوفیه نقل شد، در این مقاله انواع منابع کرامات با مراجعه به متون متعدد عرفانی جست‌وجو و بررسی شده است. بررسی منابع حاوی مباحث کرامت نشان می‌دهد که موضوعات مرتبط با این مفهوم را در ابتدای امر می‌توان با دو عنوان کلی «مباحث نظری و مصادیق کرامت» در نظر گرفت، سپس بر اساس این دو عنوان کلی، منابع مختلف را به صورت جزئی طبقه‌بندی کرد. از این رو در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی منابع حاوی خوارق عادات بر اساس

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ — شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۴۹

دو عنصر «مباحث نظری و مصادیق» تقسیم‌بندی و درباره آنها بحث خواهد شد. از آنجا که این مفهوم و مصادیق آن در متون فلسفی و کلامی نیز مطرح شده است، (ر.ک. پانویشت شماره (۲)) به دلیل حجم وسیع مباحث آن در متون عرفانی و مجال اندکی که در این مقاله وجود دارد، از ذکر منابع فلسفی و کلامی صرف‌نظر شده است. طبعاً بررسی همه منابع عرفانی حاوی خوارق عادات صوفیه نیز با توجه به گستردگی آنها در قالب این مقاله ممکن و ضروری نبوده است. از این رو در شناخت، تقسیم‌بندی و بررسی منابع، به مراجعی که اغلب برجسته و مشهور بودند، بسنده شده است. به عبارت دیگر، غرض احصاء و برشمردن همه منابع نبود، بلکه نمونه‌هایی از منابع، بر اساس دو عنصر مباحث نظری و مصادیق کرامت اولیاء معرفی شده و سعی بر آن بوده است که تقسیم‌بندی و بررسی طوری صورت گیرد که منابع ذکر نشده نیز در قالب آن تقسیم‌بندی بگنجند.

تقسیم‌بندی و بررسی منابع خوارق عادات صوفیه

با بررسی گسترده‌ای که در متون عرفانی برای شناسایی و دسته‌بندی منابع حاوی خوارق عادات صوفیه به عمل آمد، مشخص شد که این منابع را می‌توان بر اساس مطالب و موضوعات مندرج در آنها به دو دسته بزرگ تقسیم‌بندی کرد. در تقسیم‌بندی جزئی‌تر و دقیق‌تر، دسته دوم خود به دو گروه تقسیم می‌شود که هر یک با شرح و تفصیل ذیلاً بیان می‌شود.

۱- منابع حاوی مباحث نظری و مفاهیم

این دسته منابعی نظیر کشف‌المحجوب، رساله قشیریه، اللمع، التعرف، شرح تعرف و کشف‌الاسرار هستند که مباحث نظری خوارق عادات، نظیر تعریف و تبیین کرامت، مقایسه خوارق عادت صوفیه با مقولات دیگر و کارکردهای آن را

در خود دارند. در این منابع، مصادیق و نمونه‌های کرامات نیز بیان شده است، اما اغلب غرض نویسنده بیان فهرست‌وار آنها نیست، بلکه بیشتر در مقام مثال و برای توضیح مطالب نظری، نمونه‌هایی از خوارق عادت در آنها ذکر شده است. مثلاً در *اللمع ابونصر سراج* و *رساله قشیریه*، نمونه‌هایی از خوارق عادات که از قرآن مجید و بزرگان صدر اسلام گزارش شده، در مقام شاهد برای تأیید کرامت و امکان وقوع آن به کار رفته است. (رک. سراج ۱۹۱۴: ۳۲۰-۳۲۱ و قشیری ۱۳۷۴: ۶۳۶-۶۴۱)

توجه به منابع خوارق عادات صوفیه نشان می‌دهد که عمدتاً متون متقدم صوفیه حاوی مباحث نظری خوارق عادات هستند. در منابع متأخر نیز گاه مباحث کرامات به تفصیل ذکر شده است، اما مطالب آنها بی‌آنکه سخن تازه‌ای در بر داشته باشند، عمدتاً تکرار مباحث متون سابق است؛ نظیر این نوع تکرار مطالب در متون متأخر را می‌توان در *مصباح‌الهدایه* از متون عرفانی قرن هشتم (رک. کاشانی، ۱۳۶۷: ۴۳-۴۵) و *نفحات‌الانس جامی* تألیف شده در قرن نهم دید. ^(۳) البته تکرار مطالب در همان متون کهن نیز کم و بیش دیده می‌شود؛ نظیر ذکر مکرر خوارق عادات موجود در قرآن مجید، برای اثبات امکان کرامت و بیان متعدد فرق معجزه با کرامت، که به هر یک از آنها به صورت مستقل خواهیم پرداخت. اما باید به خاطر داشت که کار در این منابع هیچ وقت به تکرار صرف نمی‌رسد، بلکه آنها اغلب مطالبی مختص به خود دارند. بحث بر سر اینکه کرامت در حالت سکر روا است یا صحو، از این نوع مطالب اختصاصی است که هجویری آن را در *کشف‌المحجوب* مطرح کرده است. (هجویری ۱۳۷۵: ۲۸۵-۲۹۰)

منابع حاوی مفاهیم و مباحث نظری کرامت، نه در مقدمات و حواشی، بلکه اغلب در بین صنفی از اصناف مطالب خود همراه با جزئیات و در ذیل عناوین خاص به مقوله کرامت اشاره کرده‌اند. گاه نیز هر چند در برخی منابع نظیر *التعرف لمذهب التصوف*، ^(۴) شرح *تعرف* و *رساله قشیریه*، جزئیات مطالب مرتبط

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۵۱

با خوارق عادات صوفیه عنوان‌بندی نشده‌اند، ولی باز به دلیل اهمیت موضوع کرامت، عنوانی کلی و بخشی مستقل در متن به آنها اختصاص داد شده است.^(۵) فقط گاهی در این منابع مطالب کرامات بدون عنوان است؛ مثل مباحث بی‌عنوان خوارق عادات در *مصباح‌الهدایه* (کاشانی ۱۳۶۷: ۴۳-۴۵) و نیز آنچه میبیدی در *کشف‌الأسرار* در تفسیر عارفانه آیات ۵۸-۳۸ سوره نمل، ایراد کرده است. (میبیدی ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۳۱-۲۳۵) میبیدی فقط به اقتضای مطلب و در خلال سخن، بدون هیچ مقدمه و عنوانی سخن از کرامات را پیش کشیده است. به طور کل با بررسی منابع گروه نخست، عمده‌ترین مطالب مطرح شده در آنها را می‌توان با عناوین و جزئیات زیر ذکر کرد:

«اثبات کرامت» با استناد به قرآن، احادیث، احوال صحابه، تابعان و اولیاء

تلاش‌ها برای اثبات کرامت و امکان وقوع آن نشان می‌دهد که همواره برخی منکر خوارق عادات صوفیه بوده‌اند و آن را اسباب فریبکاری و ساخته و پرداخته اوهام اهل تصوف می‌دانسته‌اند؛ بنابراین در متون دسته نخست که مباحث نظری کرامت را مطرح ساخته‌اند برای اثبات آن تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است. از جمله این تلاش‌ها اشارات صریح و مؤکد به خوارق عاداتی است که در قرآن مجید و در گزارش احوال پیشوایان دینی، بزرگان و اولیاء وجود دارد. این نوع اشارات طبعاً مشروعیتی به کرامت می‌دهد که اذهان را به پذیرش آن متمایل می‌کرده است. نمونه‌ای از این شواهد عبارتند از:

شواهد قرآنی خوارق عادت

ماجرای عفریت و آصف برخیا در داستان آوردن تخت برای حضرت سلیمان(ص) آنجا که آن حضرت تخت بلقیس را طلب کرد از مستندات قرآنی در تأیید کرامات است. عفریتی که به حضرت ایمان آورده بود، طبق آیات ۳۸ و

۳۹ سوره نمل «دعوی کرد که من این تخت را بیارم پیش از آنکه تو از مظالم فارغ گردی و سلیمان(ع) بر وی انکار نکرد. و اگر دعوی محال بودی بر وی انکار کردی و گفت زودتر از این خواهم آصف جواب داد: انا آتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک. دعوی کرد و بیاورد. و نه آصف پیغامبر بود و نه عفریت.» (مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۹؛ نیز ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۱-۲۹۲ و قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۸) دیگر مستند، نحوه میلاد حضرت مسیح(ع) و خوارق عادات مرتبط با حضرت مریم(س) است. از آن جمله است آنجا که «حق تعالی همی گوید اندر صفت مریم علیها السلام [که وی نه پیغمبر بود و نه رسول هرگاه که زکریا] نزدیک او شدی، طعام بودی پیش او، [و چنین گویند تابستان میوه زمستانی بودی و زمستان میوه تابستانی بودی زکریا] گفתי این از کجا، مریم گفתי از نزدیک خدای تعالی و دیگر جای مریم را گفت و هزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا. و این آن وقت بود که رطب نبود.» (قشیری ۱۳۷۴: ۶۳۴؛ نیز ر.ک. سراج ۱۹۱۴: ۳۲۰؛ مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۸ و هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۲) همچنین است ذکر کرامات برخی اولیاء و معجزات انبیاء(ص)، قصه ذوالقرنین و آن چه بر دست خضر(ع) ظاهر شد از راست کردن دیوار و عجایب دیگر (ر.ک. قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۸ و ۶۳۴-۶۳۵) و داستان اصحاب کهف (ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۰-۲۹۲ و قشیری ۱۳۷۴: ۶۳۴-۶۳۵)

احادیث و روایات منقول از پیامبر

ذکر خوارق عادت برخی کسان از ربان حضرت رسول(ص)، همچون حدیث جریج راهب که ابوهریره آن را این گونه روایت کرده است: «اندر بنی اسرائیل راهبی بود جریج نام مردی مجتهد و مادری مستوره داشت روزی به دیدار پسر

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۵۳

بیامد وی اندر نماز بود در صومعه نگشاد و دیگر روز و سدیگر روز همچنان مادرش از تنگدلی گفت یا ربّ رسوا گردان مر پسر مرا و بحقّ من بگیرش و اندر آن زمانه وی زنی بود بلایه گفت گروهی را، که من جریج را از راه ببرم به صومعه وی شد و جریج بدو التفات نکرد با شبانی اندر آن راه صحبت کرد و حامله شد چون بشهر آمد گفت این بار از جریج است و چون بار بنهاد مردمان قصد صومعه وی کردند و وی را بدر سلطان آوردند جریج گفت یا غلام پدر تو کیست گفت یا جریج مادرم بر تو دروغ می گوید پدر من شبانیست.» (هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۵؛ نیز ر.ک. سراج ۱۹۱۴: ۳۲۰-۳۲۱ و قشیری ۱۳۷۴: ۶۳۶) نیز ماجرای سخن گفتن گاو که از زبان پیامبر داستان آن چنین نقل شده است: «مردی گاو می راند بار برنهاد، گاو بازنگریست و گفت مرا نه از بهر بار کشیدن آفریدند، مرا از بهر کشت [و ورز] آفرید[ه] اند، مردمان گفتند سبحان الله پیغامبر(ص) گفت من بدین ایمان آوردم...» (قشیری ۱۳۷۴: ۶۴۱) همچنین است بیان مصادیقی از کرامات به نقل از پیامبر، نظیر حدیث غار، (ر.ک. قشیری ۱۳۷۴: ۶۳۶-۶۴۱ و هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۲-۲۹۶) حدیث زایده (کنیزک عمر بن الخطاب)، ماجرای بن الحضرمی (ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: همانجا) و ذکر احادیثی از آن حضرت در تأیید و اثبات کرامات اولیاء (ر.ک. مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۶۷ و ۹۵۹ و میبدی ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۳۲-۲۳۳)

شواهدی از خوارق عادات خاندان پیامبر، صحابه و تابعان

از برای نمونه در ذکر خوارق عادات صحابه درباره اعمال عمر بن خطاب در شرح تعرّف چنین آمده است: «به روزگار عمر خطاب رضی الله عنه به مدینه زلزله افتاد و خانه‌ها ویران گشت. خلق بیامدند و پیش عمر بنالیدند. دره برداشت و مر زمین را گفت اگر همی به فرمان خدای جنبی من خلیفت خدایم عز و جلّ. بیارام؛ و اگر نه من ترا به دره بزنم. زمین مدینه بیارامید، و از آن روز باز پیش به

مدینه زلزله نبوده است،... و نیز به روزگار عمر رضی الله عنه در مدینه آتش افتاد. عمر پیامد و بر سفالی نشست: یا نار اسکنی باذن الله، و این سفال به آتش انداخت. آتش همان‌گاه فرونشست.» (مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۶۷-۹۶۸) نیز در احوال سلمان و ابو دردا «روایت کنند که میان [آن دو] کاسه نهاده بودند کاسه تسبیح کرد چنانک ایشان هر دو بشنیدند.» (قشیری ۱۳۷۴: ۶۴۲) درباره عبدالله بن عمر نیز معروف است که «به راهی می‌رفت گروهی را دید که بر قارعه طریق ایستاده بودند و شیری راه ایشان گرفته بود عبدالله عمر گفت ای سگ اگر از خدای فرمان داری بران و اگر نی ما را راه ده تا بگذریم شیر برخاست و مر او را تواضع کرد و اندر گذشت.» (هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۶) ابونصر سراج و برخی دیگر نیز خوارق عادات بعضی از خاندان حضرت رسول، صحابه و تابعان را ذکر کرده است. (ر.ک. سراج ۱۹۱۴: ۳۲۰-۳۲۳؛ نیز ر.ک. قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۹ و ۶۴۱-۶۴۴؛ هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۶-۲۹۸ و میبیدی ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۳۳)

ذکر نمونه‌هایی از خوارق عادات اولیاء

ذکر نمونه‌هایی از کرامات اولیاء برای اثبات امکان کرامت. مثلاً «معروفست کی امروز در تستر مر خانه عبدالله را بیت السباع خوانند و متفقند اهل تستر بر آنک شیر و سباع بسیار به نزدیک وی اندر آمدندی و وی مر ایشان را طعام دادی و مراعات کردی و اهل تستر خلقی بسیارند.» همچنین «ابو القاسم مروزی گوید کی من با ابوسعید خراز می‌رفتم بر کرانه بحر جوانی دیدم مرقعه‌دار و محبره اندر رکوه آویخته ابوسعید گفت سیمای این جوان عبائست و معاملتس خبری چون اندر وی نگرم گویم از رسیدگانست و چون در محبره نگرم گویم از طالبانست بیا تا از وی بپرسم کی تا چیست خراز گفت ای جوان راه به خدای چیست گفت راه به خدای دوست یکی راه عوام و یکی راه خواص و ترا از راه خواص هیچ خبر نیست اما راه عوام اینست کی تو می‌سپری و معاملت خود را علت وصول

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۵۵
بحق می‌نهی و محبره را از حجاب می‌دانی.» (هجویری ۱۳۷۵: ۲۹۸-۳۰۰ و ر.ک. سراج
۱۹۱۴: ۳۱۵-۳۱۸) علاوه بر نمونه‌های مذکور، «صرف وجود» انبوه اخبار کرامات از
اولیاء، دلیلی بر صدق و امکان وقوع کرامات محسوب شده است. (ر.ک. سراج
۱۹۱۴: ۳۲۳ و قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۸)

بیان شایست‌ها و ناشایست‌ها درباره‌ی خوارق عادات

ظهور کرامت در نزد فریقین از اهل سنت و جماعت جایز است. (ر.ک. هجویری
۱۳۷۵: ۲۷۶) به نظر معتزله «کرامتی که بر عموم باشد رواست، مثل دعا برای آب
در بیابان. در نظر گروهی از اهل سنت و جماعت، کرامت رواست اگر در حد
معجزه نباشد. فقهای امت از اهل سنت و جماعت و اهل معرفت را اجماع است
که کرامات اولیاء جائز است هرچند اندر حد معجزات باشد.» (مستملی بخاری
۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۶) بیان اینکه روا بودن کرامات در عصر نبی دلیل بر روا بودن آن در
دیگر اعصار است با استناد به کرامات روی داده در عصر پیامبر (در پاسخ طایفه‌ای
که کرامات را منکرند به عصر پیغامبر). (ر.ک. همان: ۹۶۵) روا باشد که ولی از
ولایت خود آگاه باشد؛ چون ولایت خود از کرامات است، (ر.ک. همان: ۹۹۹-
۱۰۰۰) بیان دلایل عقلی بر جواز پدید آمدن کرامت بر اولیاء (ر.ک. قشیری ۱۳۷۴:
۶۲۲) ذکر جواز ظهور کرامت اندر عقل. (ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: ۲۷۶) چگونگی روا
بودن ظهور کراماتی که زیادت بود در معنی، بر معجزات پیغامبران (ع) و روا بودن
تفضیل [اولیا بر] انبیا (ع). (ر.ک. قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۹-۶۳۰)

ذکر عملکرد خوارق عادات

بیان اینکه با بودن معجزه و پیامبر فایده و کارکرد کرامات چیست. (ر.ک. مستملی
بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۷) ظهور کرامت برای ولی در تأیید نبی است. (ر.ک. همان:

۹۷۷) کرامات باعث ترس و خضوع اولیاء است. (ر.ک. مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۸۱) کمبود رزق و روزی مانع آرامش اولیاء نیست؛ زیرا توان آن را دارند که [با کمک خوارق عادات] از ریگ زر سازند. (ر.ک. سراج ۱۹۱۴: ۳۱۹) بیشتر بودن کرامت موجب هراس ولی است که مبدا مکر و استدراج باشد و موجب غرور رانده شدن از خدا. (ر.ک. همان: ۳۲۰) کرامت ظاهر گردد بر کسی که موصوف باشد به ولایت، «اندر معنی تصدیق حال او»، (قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۳) وجود کرامات می‌تواند بر علم و یقین اولیاء نسبت به خدا بیفزاید. (ر.ک. همان: ۶۲۸) کرامت نشان صدق ولی است. (هجویری ۱۳۷۵: ۲۷۶) کرامت مدعی کاذب، نشان کذب او است. (ر.ک. همانجا) «حاصل کرامت برای اولیاء زیادت یقین است (یقین در صحابه افزونتر بود، لذا از ایشان کمتر کرامت نقل شده است و از متأخرین مشایخ بیشتر)». (کاشانی ۱۳۶۷: ۴۵)

بیان دیدگاه‌های منفی نسبت به خوارق عادات

روا بودن کرامات در نظر اولیاء فقط بر کسی که بترسد از مکر بودن آن ولاغیر (ر.ک. مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۹-۹۶۰) نگرستن اولیاء به کرامت به چشم کراهت. (ر.ک. همان: ۹۸۱) ذکر نحوه توجه خواص به کرامات و بیان استتار کردن اولیاء کرامت را از بیم فتنه، (ر.ک. سراج ۱۹۱۴: ۳۲۴-۳۲۸) بیان نمونه‌هایی از کراماتی که اولیاء کراهت داشتند و از بیم فتنه استتار کردند. ناچیز بودن کرامات و آفت ایمان بودن آن در نزد عرفا با نقل چند ماجرای کراماتی از قول آنها. (همانجا) نقل دل نبستن اولیاء به کرامات (ر.ک. قشیری ۱۳۷۴: ۶۲۸) بزرگ‌ترین کرامت اولیا دوام توفیق است بر طاعات و عصمت از معصیت‌ها و مخالفت‌ها [نه اظهار اعمال محیرالعقول] (همان: ۶۳۴) ذکر اینکه شرط ولی آن است که بسته کرامت نشود،

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۵۷
طالب استقامت باشد نه طالب کرامت. (ر.ک. میبیدی ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۳۲) ذکر در بند
کرامات نبودن اولیاء. (ر.ک. همان: ۲۳۵)

دستاویزهای منکران خوارق عادات و اقوال مدافعان

با کرامت، معجزه و پیامبر بی فایده است. (ر.ک. مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۷) انکار
کرامت از دو بیرون نیست یا حق را از آن عاجز داند یا ولی را اهل آن نبیند.
(ر.ک. همان: ۹۵۹) اندر تجویز کرامات ابطال نبوت است، از بهر آنکه پیغامبر از غیر
پیغامبر پدید کی آید؟ (ر.ک. همان: ۹۶۹-۹۷۰) این سخن (آخرین قول)، اولاً قول
به عجز خدا است؛ دوم پیامبری پیامبر منوط به معجزه نیست. (ر.ک. همان: ۹۷۶)
کرامات و معجزه مخصوص انبیاء و باعث تفاوت و برتری آنها با غیر است.
اظهار آن به دست غیر، برتری انبیاء را از بین می برد. (ر.ک. سراج ۱۹۱۴: ۳۱۸) در
پاسخ به منکرانی که می گویند کرامت جایز است مگر عادات را نقض نکند و به
حد معجزه نرسد، (ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: ۲۷۶-۲۷۸) طایفه ای که کرامات را انکار
کردند، پنداشتند که تمیز و فرق میان انبیاء و اولیاء جز به معجزه نیست. (ر.ک.
کاشانی ۱۳۶۷: ۴۴-۴۳)

تفاوت خوارق عادات نبی با ولی

سرّ معجزات اظهار است و از آن کرامات کتمان. (ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: ۲۷۸) ثمره
معجزه به غیر بازگردد و کرامت خاصّ صاحب کرامت است. (همانجا) صاحب
معجزه قطع (یقین) کند که این معجزه است اما ولی قطع نتواند کرد که این
کرامت است یا استدراج. (همانجا) «صاحب معجزه اندر شرع تصرف کند و اندر
ترتیب نفی و اثبات آن به فرمان خدای بگوید و بکند اما صاحب کرامات را

اندرین به جز تسلیم و قبول احکام روی نیست.» (ر.ک. همان: ۲۷۸-۲۷۹) معجزه (خوارق عادات انبیاء) برای عموم مردم اظهار می‌شود (دلیل دعوت است)، کتمان آن سرپیچی حق است. اولیاء مأمورند از خدا که کرامات را بپوشند و اظهار آن معصیت است، معجزه برای هدایت منکران و اسکات مشرکان است، کرامت برای اطمینان دل اولیاء است تا از رزق طلبی بیمناک و مضطرب نشوند. (ر.ک. سراج ۱۹۱۴: ۳۱۸) کرامات بی‌دعوی باشد. (ر.ک. مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۹) اولیاء از جاری شدن کرامت خبر ندارند در حالی که انبیاء از معجزه خبر دارند. (ر.ک. همان: ۹۸۹ تا ۹۹۰) برای اولیاء در کرامت بیم فتنه است، برای انبیاء چنین بیمی نیست. (ر.ک. همان: ۹۹۰-۹۹۱) کرامت ولی نتیجه اجابت دعا است، اما معجزه نبی در تأیید دعوی او است. (ر.ک. همان: ۹۹۱-۹۹۲) کرامات اولیاء وقتی باشد و انبیا را بر دوام باشد. (ر.ک. همان: ۹۹۳) اظهار معجزه واجب است، نبی به قطع دعوی پیامبری کند، اما ولی به یقین دعوی ولایت نکند. پوشش کرامت واجب است، ممکن است کرامت نباشد و مکر باشد. اظهار کرامت گاهی روا است. کرامت همیشه در اختیار ولی نیست. معجزه به اختیار پیامبر است. روا است که پیغمبر بداند پیامبر است و روا باشد که ولی نداند که ولی است. (ر.ک. میدی ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۳۲)

در خوارق عادات دروغ‌زنان

بیان اتفاق مشایخ این طایفه و جمله اهل سنت و جماعت بر ممکن بودن ظهور عمل خارق‌العاده به دست کافر و مدعی خدایی (نظیر فرعون، شداد، نمرود و دجال) و مدعی نبوت و مدعی ولایت. (ر.ک. هجویری ۱۳۷۵: ۲۸۲-۲۸۴) چیزهایی مانند کرامات و معجزات که خدا به دشمنان بدهد مکر و استدراج است، (ر.ک. مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۷۷-۹۸۰) ذکر جایز بودن امور خارق‌العاده به دست

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ — شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/۲۵۹
دروغ‌زنان با مثال‌هایی از امور خارق‌العاده‌ای که از آنها سر زده است. (ر.ک. همان:
۹۹۶-۹۹۷) بیان خوارق و کرامات کسانی که عین مکر و استدراج است. (ر.ک.
کاشانی ۱۳۶۷: ۴۴)

در انواع کرامات^(۶)

بیان برخی از انواع کرامات که روا باشد با ذکر شواهدی از انبیاء، صحابه و اولیاء،
(ر.ک. مستملی بخاری ۱۳۶۳، ج ۳: ۹۵۹-۹۶۵) ذکر انواع کرامت نظیر اشراف بر ضمایر
و تقلیب اعیان. (ر.ک. قشیری ۱۳۷۴: ۶۳۰؛ غزالی ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۳ و ۵۳ و کاشانی ۱۳۶۷:
۴۳)

همان‌طور که در نمونه و عناوین این گروه از منابع دیده می‌شود، بخشی از
مطالب تکرار مکررات است. منابع هر چه متأخر می‌شوند، تکرار مطالب پیشینیان
در آنها بیشتر دیده می‌شود. از این رو مطلب در *اللمع* و شرح *تعرف* بیشتر
اصالت دارد تا در *مصباح‌الهدایه*. علاوه بر این، می‌توان گفت مطلب غالب در بین
مباحث نظری خوارق عادات، نسبت و تفاوت آن با معجزه است. این موضوع
تقریباً در همه منابع گروه نخست مفصل است و بیش از همه در شرح *تعرف*
طول و تفصیل پیدا کرده است. شباهت کرامت به معجزه و بیم از خدشه به مقام
نبوت همان‌طور که ابونصر سراج هم در *اللمع* اشاره کرده است، می‌تواند علت
اصلی در گرفتن بحث بر سر نسبت و تفاوت معجزه و کرامت باشد. (ر.ک. سراج
۱۹۱۴: ۳۱۸)

۲- گروه دوم منابع، (منابع حاوی مصادیق خوارق عادات)

این گروه از منابع را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول منابعی هستند که
در بردارنده کرامات و خوارق عادات «گروهی» از مشایخ صوفیه‌اند و دسته دوم

منابعی هستند که حاوی کرامات و خوارق عادات «یکی» از بزرگان و مشایخ صوفیه هستند. ابتدا دسته اول منابع این گروه با ذکر ویژگی‌ها بیان می‌شود و پس از آن، منابع دسته دوم به همراه توضیحات آنها برشمرده می‌شود.

منابع دربردارنده خوارق عادات «گروهی» از مشایخ

منابع دسته اول از گروه دوم، منابعی هستند که در ذکر برخی سوانح ایام، مقامات، احوال و اقوال گروهی از بزرگان صوفیه نوشته شده‌اند. عمده‌ترین نوع این منابع، کتاب‌های طبقات و تذکره‌های عرفانی هستند. از آنجا که این متون دربردارنده احوال و اقوال مشایخ صوفیه‌اند، گفتار این مشایخ درباره مفهوم کرامت و نمونه‌هایی از کرامات آنها در این منابع ذکر شده است. به عبارت دیگر در این دسته از منابع، هم مفاهیم نظری کرامت، هم مصادیقی از آن مطرح است، اما ذکر مصادیق و انواع کرامات منسوب به مشایخ، البته بسیار بیش از بیان تعاریف و مباحث نظری این مفهوم است؛ لذا در مقایسه با نخستین گروه منابع که عمدتاً حاوی مباحث نظری بودند، این دسته اغلب حاوی مصادیق کرامت هستند.^(۷) این مصادیق و نمونه‌ها شامل انواع گوناگون کرامات از قبیل اشراف بر ضمائر، تسلط بر نیروهای طبیعت، قدرت تبدیل اعیان و اشیاء، طی الارض کردن و دیگر انواع است. (ر.ک. غزنوی ۱۳۸۴: ۲۷-۲۹۱؛ مولانا شیخ ۱۳۸۰: بندهای ۱-۹۰ و محمدبن منور ۱۸۹۹م: ۶۸-۲۴۶)

در این منابع با توجه به تعداد مشایخی که احوال آنها گزارش شده است، تعداد کرامات متفاوت است. در منابعی مانند *طبقات الصوفیه* انصاری (قرن پنجم ه.ق) که از ۱۲۰ تن از مشایخ صوفیه نام برده شده است، تعداد کرامات نسبت به کرامات مذکور در *نفحات الانس* جامی (قرن نهم ه.ق)، که دربردارنده گزارش احوال ۶۱۴ تن است، کمتر است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد هر چه ارادت

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۶۱

مؤلف این گونه منابع به مشایخ صوفیه بیشتر بوده و نسبت به علو مقامات عرفا ایمان بورزد، تعداد خوارق عادات ذکر شده درباره آنها نیز بیشتر خواهد بود. این موضوع نیز با مقایسه طبقات الصوفیه و تذکرة الاولیاء عطار آشکار است. عطار که خود عارفی پاک‌باخته است، با ارادت تمام به مشایخ، به ویژه به مشاهیر آنها نظیر بایزید و جنید می‌نگرد از این رو مقامات و خوارق عادات آنها را تا آنجا که مجال تذکره‌اش اجازه می‌دهد، به تفصیل اظهار می‌کند. (ر.ک. عطار ۱۹۰۵م، ج ۱: ۱۳۴- ۱۷۶ و ج ۲: ۵-۳۶)

البته باید توجه داشت هر منبعی که در آن گزارش احوال گروهی از صوفیه آمده است، حتماً در بردارنده کراماتی برای تک‌تک مشایخ مذکور در آن نیست. در برخی از این آثار تعداد خوارق عادات اندک است و برای عده بسیاری از مشایخ، کرامتی ذکر نشده است. این امر در جای‌جای ریاض‌العارفین رضا قلیخان هدایت دیده می‌شود. (ر.ک. هدایت ۱۳۱۶) گاه نیز درباره برخی از مشایخ فقط به ذکر این که وی صاحب کرامات بوده، بسنده شده است. انصاری در طبقات الصوفیه درباره کرامات معروف کرخی به همین بسنده می‌کند که «معروف سید بوده از خداوندان ولایت و کرامات ظاهر»، (انصاری ۱۳۶۲: ۱۰) جامی نیز ابوعبدالله هروی را همین‌گونه معرفی کرده است. (ر.ک. جامی ۱۸۵۸م: ۴۰۴) همان‌طور که گفته شد، اغلب در این منابع کرامات مشایخ سرشناس یا مشایخی که به آنها ارادت ورزیده می‌شود، مفصل‌تر بیان شده است. مثلاً علاوه بر تفصیل خوارق عادات بایزید و جنید در تذکرة الاولیاء، که بیشتر به آن اشاره شد، در رشحات عین‌الحیات نیز خوارق خواجه عبیدالله احرار، از مشایخ مشهور طریقت نقشبندیه، مفصل ذکر شده است. (ر.ک. کاشفی ۱۳۵۶: کل جلد دوم)

در این نوع منابع، کرامات مشایخ ذیل یک عنوان خاص مطرح نشده است، بلکه به اقتضای احوال آنها، در جاهای مختلف متن چیزی از کرامت ایشان، گاه

یک نمونه و گاه چند مورد بیان شده است. با این حال گاه خود مؤلف در قسمتی از منبع، مستقلاً بحثی از کرامت پیش کشیده است. (ر.ک. جامی ۱۸۵۸: ۲۲-۳۱) این گروه از منابع خوارق عادات نیز سابقه دیرین دارند. چه در متون مستقلی نظیر *طبقات الصوفیه سلمی* و چه در فصلی از فصول کتابهای نظری، نظیر *کشف‌المحجوب*^(۱) (باب فی ذکر ائمتهم من اتباع التابعین الی یومنا) می‌توان نمونه‌های قدیمی آنها را سراغ گرفت.

منابعی که دربردارنده خوارق عادات «تعدادی» از مشایخ هستند، از آنجا که حاوی احوال و گفتار اغلب بزرگان صوفیه تا روزگار مؤلف هستند، کم و بیش شامل انواع خوارق عادات و انواع تلقی‌ها از آن نیز هستند و می‌توان سیر تاریخی و دگردیسی نوع کرامات و همچنین تلقی مؤلف نسبت به مقامات مشایخ را با توجه به میزان و نوع کراماتی که درباره هر یک از آنها ذکر کرده است، بررسی کرد. از سوی دیگر در این منابع نیز، به مانند منابع گروه نخست تکرار بسیار دیده می‌شود؛ به طوری که بعضاً عین مطلب یک منبع در منبع دیگری نقل شده است. مثلاً بیشتر مطالب کتاب *انوار القدسیه فی مناقب سادات النقشبندیه* (در حدود هفتاد صفحه)، (خالدی نقشبندی ۱۳۴۴ق) نقل احوال مردانی است که شرحشان در کتاب *رشحات عین‌الحیات مندرج* است؛ (ر.ک. کاشفی ۱۳۵۶، ج ۲: ۱۰۶) نویسنده رشحات نیز خود مطالبی از *نفحات الانس* جامی اخذ کرده است. (همانجا: ۱۱۰) همچنین عطار در *تذکره‌الاولیا* برخی مطالب منابع پیش از خود را تکرار کرده است. (ر.ک. عطار ۱۳۸۸: ۱۲-۲۱ مقدمه)

در این نوع متون همان‌طور که گفته شد غالباً گزارش عموم مشایخ تا روزگار مؤلف ذکر شده است و به دلیل ذکر نام و احوال تعداد زیادی از مشایخ، فرصت برای بیان خوارق عادات مفصل برای همه آنها فراهم نیست. اما استثنائاً در یکی از این نوع منابع، یعنی در *رشحات عین‌الحیات* مولانا فخرالدین علی صفی (۸۶۷-

۹۳۹ ه.ق) فقط احوال مشایخ طریقت نقشبندیه گزارش شده و مجال بیشتری برای بیان کرامات آنها فراهم شده است؛ مطلب در این منبع به همین جا ختم نشده است، بلکه جلد دوم این اثر، حتی نسبت به جلد اول آن، شکل اختصاصی‌تر به خود گرفته است. به این معنی که در این جلد، فقط از احوال عبیدالله احرار، از سران مشهور این طریقت سخن به میان آمده است و مطلب با بیان کرامات و خوارق اعمال او تفصیل بسیار پیدا کرده است، به طوری که این بخش از رشحات، به دسته سوم منابع کرامات که نقل خواهد شد، شبیه شده است.

به طور کل منابعی که در آنها به ذکر احوال گروهی از بزرگان صوفیه پرداخته شده است، از لحاظ حجم و تنوع مطالب و قدمت چشمگیرند. این منابع هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی با عناوین مختلف به نگارش درآمده‌اند. طبقات الصوفیه انصاری، کشف المحجوب هجویری در باب «فی ذکر ائمتهم من اتباع التابعین الی یومنا»، تذکرة الاولیاء عطار، نفحات الانس جامی، رشحات عین الحیات فخرالدین علی صفی، طرائق الحقایق معصوم علیشاه و ریاض العارفین رضاقلی خان هدایت، برخی از مهم‌ترین این منابع به زبان فارسی هستند. از منابع عربی این گروه نیز می‌توان به طبقات الصوفیه سلمی (۱۴۲۴ق)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء اثر حافظ ابونعیم اصفهانی (۱۴۰۷ق)، مناقب الأبرار و محاسن الأخیار فی طبقات الصوفیه از ابن خمیس موصلی (۱۴۲۷ق)، التشوف الی رجال التصوف اثر ابویعقوب یوسف بن یحیی تادلی (ابن زیات) (۱۴۲۷ق) و طبقات الأولیاء از ابو حفص عمر بن علی مصری (ابن ملقن) (۱۴۲۷ق) اشاره کرد.

منابع حاوی خوارق عادات «یکی» از مشایخ صوفیه

اگر در گروه اول منابع، مباحث نظری کرامت غلبه داشت و در دسته اول گروه دوم، علاوه بر مصادیق به مفاهیم نظری خوارق عادات نیز اشاراتی شده بود، در

دسته نهایی منابع، غلبه با مصادیق است و در واقع این متون را باید منابع عمدتاً مصداقی کرامت نامید. در این منابع اگر هم از مباحث نظری کرامت چیزی گفته شده، عمدتاً تکرار مختصر مباحث پیشینیان است و ذکر این مباحث در مقام مقدمه و پیش‌درآمدی مختصر برای ورود به متنی است که حاوی انواع مفصل کرامات است. (برای نمونه ر.ک. غزنوی ۱۳۸۴: ۷-۱۱) مطالعه این منابع نشان می‌دهد که برای بسیاری از مشایخ صوفیه به صورت مدون یا پراکنده، حکایات کرامات و خوارق عادات ذکر شده است. بررسی و تحلیل کیفیت و کمیت این حکایات علاوه بر شناخت تلقی‌های گوناگون از مقام مشایخ، می‌تواند به تبیین دلایل و انگیزه‌های گوناگون اجتماعی ترسیم و انتساب این کرامات به صوفیه منجر شود. در این متون که عناوینی نظیر مناقب (مثل مناقب العارفين افلاکی ۱۳۸۵)، مناقب اوحدالدین کرمانی (۱۳۷۴)، مقامات (مقامات ابوسعید ابوالخیر، مقامات ژنده‌پیل، مقامات جامی)، کرامات و خوارق عادات (خوارق عادات خواجه عبیدالله الاحرار و شیخ صفی‌الدین اردبیلی) دارند، نمونه‌هایی از انواع کرامات، از قبیل اشراف بر ضمائر، تسلط بر نیروهای طبیعت و طی الارض به فراوانی وجود دارند. البته همه منابع و رسالات، عنوان «کرامات»، «مقامات» یا «مناقب» ندارند. سیرت ابن خفیف، صفوة‌الصفای ابن بزاز (۱۳۷۶) و رساله فریدون سپهسالار (۱۳۸۵) از این نوع منابع هستند که علی‌رغم آن که در عنوان خود اشاره‌ای به مناقب و کرامات ندارند، به ترتیب کراماتی از ابن خفیف شیرازی، شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مولانا جلال‌الدین بلخی را در خود دارند.

برخلاف منابعی که در آنها از احوال و مقامات گروهی از مشایخ صوفیه نام برده شده است، در این دسته از منابع، به دلیل آنکه گزارش‌ها مختص به یکی از مشایخ صوفیه است، مجال برای بیان مفصل کرامات مهیا است. نگارش این نوع منابع نیز از گذشته دور رایج بوده و برای مشایخ نخستین صوفیه کم و بیش

مناقب و مقاماتی بیان شده است؛ نظیر آنچه برای ابوالحسن خرقانی از مشایخ قدیمی، در بابی از *منتخب نورالعلوم* (۱۳۶۹) ذکر شده تا مقامات جامی که در دوران متأخر نگاشته شده است. (ر.ک. به ترتیب به، مینوی ۱۳۶۳: باب دهم و نظامی باخرزی ۱۳۸۳) بعدها با افزایش صوفیه و مشایخ آنها نگارش مقامات و کرامات رواج یافت و بر تعداد آنها روزبه‌روز افزوده شد؛ تا جایی که گاهی دربارهٔ خوارق عادات برخی از مشایخ صوفیه بیش از یک اثر ترتیب داده شده است. به عنوان نمونه کرامات مولوی علاوه بر *مناقب العارفين افلاکی* در *رساله سپهسالار* هم بیان شده است. همچنین کرامات و مقامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی علاوه بر *صفوة الصفای* ابن بزاز در اثر دیگری با عنوان *حالات و مقالات و کرامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی* نیز ذکر شده است. البته همهٔ منابع دستهٔ سوم، خود کتاب و رسالهٔ مستقلی نیستند، بلکه برخی از کرامات و مقامات در بین سایر مطالب رسالات و کتب صوفیه درج شده‌اند؛ مانند خوارق عاداتی که برای روزبهان ثانی در دو باب از ابواب کتاب *تحفه اهل عرفان* نوشته شده است (ر.ک. روزبهان ثانی ۱۳۸۲، باب چهارم و هفتم) یا آنچه محمود بن عثمان درباره کرامات امین‌الدین احمد بلیانی در باب نهم *مفتاح الهدایه* درج کرده است. (ر.ک. محمودبن عثمان ۱۳۸۰: ۹۳-۱۱۹)

از آنجا که این نوع متون را اغلب یکی از مریدان نوشته‌اند، کرامات غریب و اغراق‌آمیز در آنها بسیار است. نمونه‌هایی از این عجایب را می‌توان در سرتاسر *مناقب العارفين افلاکی* و *مقامات ژنده پیل* به فراوانی دید. در این آثار مرید در پی اثبات مقامات شیخ و اظهار ارادت به او، عجایبی ترتیب می‌دهد که گاه مضحک و حتی مضر به متانت شیخ به نظر می‌رسد. از مقایسه این منابع برمی‌آید که متون متأخر بیشتر حاوی غرائب و عجایب هستند و علاوه بر کثرت امور غریب، خوارق عادات برای اهداف مادی و دنیایی نیز به کار رفته است. در *صفوه الصفای*

ابن بزاز، که به مقامات شیخ صفی‌الدین اشاراتی دارد^(۱۰) و در کرامات خواجه عبیدالله احرار، خوارق عاداتی برای حفظ املاک و اموال یا کسب آنها اظهار شده است. (در مورد خوارق عادات صوفی اخیر ر.ک. غلامحسین‌زاده و موسوی ۱۳۸۹) این امر بر خلاف شیوه نخستین گروه از منابع کرامت است؛ در آن متون بر شمردن انواع خوارق عادات برای اولیاء در درجه اول اهمیت نیست، بلکه تعاریف و تلقی‌های گوناگون از کرامت و مقایسه آن با دیگر مفاهیم، نظیر معجزه، مقدم بر ذکر مصادیق است. نویسندگان نخستین گروه از منابع کرامات، اغلب مشی‌میردانه نداشتند؛ از این رو اسطوره‌سازی‌های معمول در منابع مختص به یکی از مشایخ، در نگرش آنها غلبه نداشته است. در متون نظری، مخاطب، عوام هیجانی انگاشته نشده است تا با اظهار پی‌درپی خوارق عادات و عجایب شیخ، او حیران و در نهایت مرید شود، بلکه همان‌طور که در عناوین و جزئیات آن منابع ذکر شد، پیش از برشمردن فهرستی از حکایات غریب، بر سر روا بودن یا نبودن کرامات بحثی در می‌گیرد، فرق آن با معجزه به تفصیل ذکر می‌شود، بر سر اینکه کرامت اظهار شود یا نه و این که ولی، عمل خارق‌العاده خود را اصلاً کرامت بداند یا نه، توضیح داده می‌شود؛ به عبارت دیگر بیان نمونه‌هایی از اعمال خارق‌العاده اولیاء فرع بر اصول و مباحث نظری است و اگر چیزی از خوارق عادات نقل می‌شود، اغلب بیانگر علو درجات صاحب آن و یا مثال‌هایی برای تأیید و توضیح مباحث نظری است. اما در دسته سوم منابع، مرید برای دادن ابهت به شیخ خود و ترسیم سیمای اسطوره‌ای از او با تمام توان، می‌کوشد و در این راه نه تنها اعمال و احوال او را در زمان حیات فوق‌العاده جلوه می‌دهد، بلکه کراماتی را نیز برای بعد از مرگ او قائل می‌شود. به طوری که می‌توان یکی از ویژگی منابع دسته سوم را داشتن خوارق عاداتی دانست که بعد از مرگ مشایخ از آنها سر زده است. فصل سوم از باب سوم اسرارالتوحید درباره «بعضی از کرامات او

[ابوسعید] که بعد از وفات او آشکارا گشته» (محمدبن منور ۱۸۹۹م: ۴۵۲-۴۸۰) و فصلی که در کتاب *مقامات ژنده‌پیل* به خوارق عادات شیخ احمد جام بعد از مرگ او اختصاص یافته، نمونه‌ای از این موارد در دسته سوم منابع است. (ر.ک. غزنوی ۱۳۸۴: ۲۹۵-۳۱۹؛ نیز ر.ک. محمودبن عثمان ۱۳۸۰: ۲۳۷-۲۴۷ و بقلی شیرازی ۱۳۶۶: ۴۰-۴۱)

نتیجه

خوارق عادات صوفیه مقوله‌ای است که در متون و منابع عرفانی بسیار بدان توجه شده است. در برخی از این منابع درباره‌ی تعریف مفهوم کرامت، مقایسه‌ی آن با معجزه، کارکردهای آن، روا بودن یا نبودن آن و مواضع صاحب کرامت در قبال آن بحث شده است. گاهی نیز عمدتاً به خوارق عاداتی که روی داده، اشاره شده است. خوارق عاداتی نظیر، اشراف بر ضمائر، تسلط بر نیروهای طبیعت و طی الارض. بر این اساس تقسیم‌بندی منابع کرامت به دو گروه منابع دربردارنده‌ی مباحث نظری و منابع حاوی عمدتاً مصادیق کرامت، امکان شناخت انواع متون حاوی خرق عادات صوفیه را برای انجام تحقیقات در حوزه‌ی عرفان و تصوف فراهم می‌کند. گروه دوم منابع، خود یا شامل نمونه‌هایی از خوارق عادات گروهی از مشایخ صوفیه است، نظیر تذکره‌های عرفانی، یا دربردارنده‌ی کرامات یکی از مشایخ صوفیه است؛ نظیر *مناقب العارفين افلاکی* و *مقامات جامی*، که هر یک به ترتیب درباره‌ی کرامات مولوی و خوارق عادات عبدالرحمان جامی، صوفی نقشبندی قرن نهم هستند. وجود این گونه‌های مختلف منابع، گستردگی مباحث کرامت را به وضوح نشان می‌دهد. این گستردگی زمانی بیش از پیش به چشم می‌آید که در نظر داشته باشیم برای بسیاری از مشایخ، چه به صورت مدون و چه به صورت پراکنده، مناقب و خوارق عادات ذکر شده است. از این رو شناخت

دقیق کرامت به‌مانند بیشتر اصطلاحات و مفاهیم عرفانی در گرو مقدماتی نظیر منبع‌شناسی و طبقه‌بندی متون مرتبط با آن است که در این مقاله ذیل سه عنوان صورت پذیرفت.

پی‌نوشت

- (۱) در *مصباح‌الهدایه* به صورت جزئی در صفحات ۴۳-۴۵ درباره کرامت بحث شده است، اما در *مقامات ژنده‌پیل* که در ذکر خوارق عادات شیخ احمد جام است، بیش از ۳۰۰ صفحه از متن حدوداً ۳۶۰ صفحه‌ای کتاب، به گزارش اعمال خارق عادت او اختصاص یافته است.
- (۲) چند نمونه دیگر از حکایات کرامات اولیاء و اصطلاحات آن در *مثنوی*، *دیوان حافظ* و *دیوان شاه نعمت‌الله ولی*. *مثنوی*: آمدن رسول روم تا نزد عمر و دیدن او کرامات عمر را (مولوی ۱۳۷۳ / ۱: ۵۸) کرامات ابراهیم ادهم بر لب دریا (همان / ۲: ۲۷۹) کرامات آن درویش که در کشتی متهمش کردند (همان / ۲: ۲۸۹) حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در بادیه تنهاش یافتند (همان / ۲: ۳۰۰) شکوه و کرامات راستین، نتیجه قرب به حق است (همان / ۲: ۳۰۰) کرامات شیخ اقطع و زنبیل بافتن او به دو دست (همان / ۳: ۳۷۰) کرامات و نور شیخ عبدالله مغربی قدس سره (همان / ۴: ۵۱۵)، نیت کردن او که این زر بدهم بدان هیزم‌کش چون من روزی یافتم به کرامات مشایخ و رنجیدن آن هیزم‌کش از ضمیر و نیت او (همان / ۴: ۵۱۹)، کرامات شیخ شبیان راعی و بیان معجزه هود(ع). (همان / ۶: ۹۹۶) نمونه‌های دیگر از دیوان حافظ و شاه نعمت‌الله ولی: شرممان باد ز پشمینه آلوده خویش/گر بدین فضل و هنر نام کرامات بریم، با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف/هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد. (حافظ ۱۳۸۵: ۴۵۱ و ۲۷۷) ما عاشق مستیم کرامات چه باشد/ ما باده‌پرستیم مناجات چه باشد، ما همدم زندان سراپرده عشقیم/ در مجلس ما حالت طامات چه باشد، گفتیم چنان است چنین بود که گفتیم/این نیست کرامات کرامات چه باشد. (شاه نعمت‌الله ولی ۱۳۸۰: ص ۲۹۵)
- (۳) جامی در *مقدمه نوحات‌الانس* در تفاوت کرامات با دیگر خوارق عادات، مباحث اثبات کرامات با توسل به احادیث و روایات صحابه، و نیز انواع کرامات مطالبی ذکر کرده است که اغلب تکرار مطالب پیشینان است. (۱۸۵۸م: ۲۲-۳۱)

(۴) در منابع این مقاله به جای کتاب *التعرف* کلابادی که از متون اصلی و اولیه تصوف است، از شرح آن، یعنی شرح *تعرف* که دربردارنده تفصیل مطالب *تعرف* است، استفاده شده است.

(۵) در هر متنی به نحوی درباره کرامات سخن گفته شده است. نویسنده *الکمع* که عناوین اصلی اثر خود را «کتاب» نام‌گذاری کرده است، عنوان کتاب دوازدهم خود را « کتاب اثبات الآيات و الكرامات » قرار داده است. او در ذیل این عنوان مباحث کرامت را در شش باب مطرح کرده است: باب فی معانی الآيات و الكرامات و ذکر من كان له شيء من ذلك، باب فی حجة من انكر كون ذلك من اهل الظاهر و الحجة عليهم فی جواز ذلك للاولياء و الفرق بينهم و بين الانبياء عليهم السلم فی ذلك، باب فی الادلة على اثبات الكرامات للاولياء و علة قول من قال لا يكون ذلك الا للانبیاء عليهم السلم، باب فی ذکر مقامات اهل الخصوص فی الكرامات و ذکر من ظهر له شيء من الكرامات فكره ذلك و خشي من الفتنة، باب فی ذکر من كان له شيء من هذه الكرامات فأظهرها لأصحابه لصدقه و طهارته و سلامة قلبه و صحته، باب فی ذکر الخصوص و أحوالهم التي لا تعد من الكرامات و هي فی معانيها اتم و الطف من الكرامات. در كشف المحجوب نیز در ذیل باب باب فی فرق فرقههم و مذاهبهم و آیاتهم و مقاماتهم و حکایاتهم مباحث کرامات این‌گونه عنوان‌بندی شده‌اند: الکلام فی اثبات الكرامات، الکلام فی الفرق بين المعجزات و الكرامات، الکلام فی اظهار جنس المعجزة على یدی من يدعى الالهية، الکلام فی ذکر کراماتهم، الکلام فی تفضیل الانبياء على الاولياء. در رساله *قشیریه* با عنوان «اثبات کرامات اولیاء» در باب پنجاه و سوم، در *التعرف* با عنوان کلی «قولهم فی کرامات الأولیاء» در باب بیست و ششم و در شرح *تعرف* نیز بر مبنای کتاب *التعرف* با عنوان مشابه «قولهم فی کرامات الاولیاء» در جلد سوم، مطالب کرامات بدون ذکر عناوین جزئی‌تر بحث شده است. *كشف الأسرار* به اقتضای تفسیر عرفانی که سومین مرحله از مراحل سه‌گانه تفسیر او است، در ذیل آیات سوره نمل از کرامات بحث کرده است. اما در *مصباح الهدایه* بابی به کرامات اختصاص داده نشده است و در فصول هفتم، هشتم و نهم مباحثی از کرامت مطرح شده است.

(۶) درباره تقسیم‌بندی کرامات، منابع و مطالب گوناگونی وجود دارد. به یکی از این تقسیم‌بندی‌ها با عنوان «دو تقسیم‌بندی قدیم از کرامات صوفیه» در پی‌نوشت شماره (۲) اشاره شد. یکی از تلاش‌های عجیبی که برای تقسیم‌بندی‌های کرامات صورت گرفته است در کتاب *جامع کرامات اولیاء* نوشته نهانی (۱۲۶۵-۱۳۵۰ ه.ق.) دیده می‌شود. در این کتاب سه جلدی که

برای بیش از یک هزار و دویست تن از اصحاب پیامبر تا مشایخ صوفیه، حکایت یا حکایاتی از کرامات ذکر شده است، نویسنده در مقدمه کتاب کوشیده است هر یک از کرامات را به خلق و خوئی یا به یکی از اندامها نظیر چشم و گوش وابسته کند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. (نیهانی ۱۳۲۴ق).

(۷) در این متون، گفتار کوتاه و غیر تفصیلی مشایخ صوفیه درباره موضوعات مختلف مطرح شده است. کرامت نیز از موضوعاتی است که گاهی صوفیه بدون آنکه آن را برخلاف منابع دسته نخستین، شرح و بسط داده باشند، ذکر کرده‌اند. نظیر آنچه در ذیل نام جنید در تذکره‌الاولیاء ذکر شده است. در تلقی جنید کرامت حجاب است: «می‌گویی که حجاب سه است: نفس و خلق و دنیا». گفت: «این سه عام است، و حجاب خاص سه است: دید طاعت و دید ثواب و دید کرامت.» (عطار ۱۹۰۵: ۳۴-۳۵)

(۸) باید توجه داشت که «گاهی» در گروه دوم منابع کرامت، یعنی متونی که حاوی شرح حال، اقوال و مناقب مشایخ صوفیه است، مباحث نظری کرامات نیز به تفصیل بیان شده است و منبع در تقسیم‌بندی، در هر دو دسته، یعنی هم در گروه منابع نظری و هم جز منابعی که دربردارنده مصادیق کرامت گروهی از مشایخ است، می‌گنجد. کشف‌المحجوب هجویری از این دست از منابع است که در گروه اول و دوم منابع کرامت قرار می‌گیرد. علاوه بر بحثهایی که در این کتاب به مباحث نظری کرامت اختصاص دارد (درباره باب‌های کرامت در کشف‌المحجوب ر.ک. پاورقی شماره ۵) در باب «فی ذکر ائمتهم من اتباع التابعین الی یومنا»، مشایخ صوفیه را تا روزگار خود، با ذکر کراماتی برای آنها نام برده است. (۹) در این باره ر.ک. سالاری شادی ۱۳۸۶.

کتابنامه

آزادبان، شهرام. ۱۳۸۵. «دو تقسیم‌بندی از کرامات صوفیه»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ش ۱۷۹.

ابن‌بزاز، توکل بن اسماعیل. ۱۳۷. صفوه‌الصفا (در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی). مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: زریاب.
ابن‌خمیس الموصلی، حسین بن نصر بن محمد. ۱۴۲۷ق. مناقب‌الأبرار و محاسن‌الأخیار فی طبقات‌الصوفیه. مصحح سعید عبدالفتاح. ۲جلد. بیروت: دارالکتب العلمیه.

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۷۱

ابن زیات، ابویعقوب یوسف. ۱۴۲۷ق. *التشوف الی رجال التصوف*. مصحح علی عمر. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیه.

ابن الملتن، ابوحفص عمر بن علی. ۱۴۲۷ق. *طبقات الأولیاء*. مصحح مصطفی عبدالقادر. بیروت: دارالکتب العلمیه.

افلاکی، شمس الدین احمد. ۱۳۸۵. *مناقب العارفین*. به کوشش تحسین یازیجی. چ چهارم. تهران: دنیای کتاب.

انصاری، عبدالله بن محمد. ۱۳۶۲. *طبقات الصوفیه*. با تصحیح و حواشی و تعلیقات و فهارس و فرهنگ و قواعد دستوری عبدالحی حبیبی قندهاری. باهتمام و کوشش حسین آهی. تهران: فروغی.

اوحدالدین کرمانی، حامد ابن ابی الفخر. ۱۳۷۴. *مناقب اوحدالدین کرمانی*. تصحیح و حواشی بدیع الزمان فروزانفر. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بقلی شیرازی، روزبهان. ۱۳۶۶. *عبر العاشقین*. به تصحیح هانری کربن و محمد معین. چ سوم. تهران: منوچهری.

بودری نژاد، یحیی. ۱۳۹۰. «تبیین فلسفی معجزه و کرامت از دیدگاه سهروردی». *فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آیین معرفت*، دانشگاه شهید بهشتی. ش ۲۹.

جامی، عبدالرحمن. ۱۸۵۸م. *نفحات الانس*. به تصحیح ولیام ناسولیس، مولوی غلام عیسی و مولوی عبدالحمید، کلکته: مطبعه لیس.

جهانگیری، محسن. ۱۳۸۳. «عرفان ابن سینا و یا نظر ابن سینا درباره عرفان»، *فصلنامه تخصصی فلسفه*. س ۲۸، ش ۹.

حافظ ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. ۱۴۰۷ق. *حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء*. بیروت: دارالکب العربی.

حافظ شیرازی، شمس الدین محمد. ۱۳۸۵. *دیوان حافظ*. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: زوار.

خالدی نقشبندی، عبدالمجید بن محمد خانی. ۱۳۴۴ق. *انوار القدسیه فی مناقب سادات نقشبندیه*. مصر.

خرقانی ابوالحسن، علی بن احمد. ۱۳۶۹. *نورالعلوم*. همراه با شرح احوال و آثار و افکار. به کوشش و نگارش عبدالرفیع حقیقت (رفیع). تهران: بهجت.

رکنی یزدی، مهدی. ۱۳۸۹. «کرامات، امکان وقوع، آسیب شناسی». مشکوه. ش ۱۰۶. روزبهان ثانی، ابراهیم‌بن صدر الدین. ۱۳۸۲. *تحفه اهل عرفان*. به تصحیح جواد نوربخش. تهران: یلدا قلم.

سالاری شادی، علی. ۱۳۸۶. «بازنگری در احوال و مناسبات شیخ صفی الدین اردبیلی». *ویژه‌نامه علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره دوم. ش ۵۰. سپهسالار، فریدن‌بن احمد. ۱۳۸۵. *رساله سپهسالار*. تصحیح و تعلیقات محمد افشین وفایی. تهران: سخن.

سراج طوسی، ابونصر. ۱۹۱۴م. *اللمع فی التصوف*. به تصحیح رینولد آلین نیکلسون. لیدن: مطبعة بریل.

السلمی، ابو عبدالرحمن محمد. ۱۴۲۴ق. *طبقات الصوفیه*. مصحح مصطفی عبدالقادر. بیروت: دار الکتب العلمیه.

شاه نعمت‌الله ولی. ۱۳۸۰. *دیوان کامل شاه نعمت‌الله ولی*. به تصحیح عباس خیاطزاده. کرمان: خانقاه نعمت‌اللهی.

شهبازی، ایرج. ۱۳۸۶. *طبقه‌بندی قصه‌های کرامت در متون عرفانی منشور، تا آغاز قرن هفتم*. رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

شیری، قهرمان. ۱۳۸۹. «تأثیر آیات و روایات بر شکل‌گیری کرامات»، *فصلنامه علمی عمومی زبان و ادب فارسی، ادب و عرفان*، شماره ۴.

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. ۱۳۸۱. *المبدأ و المعاد*. ترجمه احمدبن محمد الحسینی اردکانی. به کوشش عبدالله نورانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

عطار، محمدبن ابراهیم. ۱۳۸۸. *تذکرة الاولیاء*. بررسی، تصحیح، توضیحات و فهرس از محمد استعلامی. تهران: زوار.

_____ . ۱۹۰۵. *تذکرة الاولیاء*. به تصحیح رینولد آلین نیکلسون. لیدن: مطبعة لیدن.

غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۸۶. *ترجمه احیاء علوم‌الدین*. به تصحیح حسین خدیوجم. تهران: علمی و فرهنگی.

س ۱۲ - ش ۴۳ - تابستان ۹۵ - شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه/ ۲۷۳

غزنوی، سدیدالدین محمد. ۱۳۸۴. مقامات ژنده‌پیل. به تصحیح حشمت مؤید. تهران: علمی و فرهنگی.

غلامحسین‌زاده، غلامحسین و سید جلال موسوی. ۱۳۸۹. «نقد و تحلیل کرامات خواجه عبدالله احرار»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ش ۲۰.

قشیری عبدالکریم بن هوازن. ۱۳۷۴. رساله قشیریه. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.

کاشانی، عزالدین محمود. ۱۳۶۷. مصباح‌الهدایه. با تصحیح و تعلیقات جلال‌الدین همایی. تهران: هما.

کاشفی، حسین بن علی. ۱۳۵۶. رشحات عین‌الحیات فی مناقب مشایخ طریقه نقشبندیه. به تصحیح علی‌اصغر معینان. ۲ جلد. تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.

کلابادی، ابوبکر محمد ابن ابراهیم. ۱۳۷۱. تعرف. به کوشش محمد جواد شریعت. تهران: اساطیر.

محمدبن منور. ۱۸۹۹م. اسرارالتوحید فی مقامات ابوسعید ابوالخیر. سن پترزبورگ. الیاس میرزا بوراغانسکی.

محمودبن عثمان. ۱۳۸۰. مفتاح‌الهدایه. به تصحیح منوچهر مظفریان. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مستملی بخاری، اسماعیل. ۱۳۶۳. شرح‌التعرف لمذهب‌التصوف. به تصحیح محمد روشن. تهران: اساطیر.

معصوم علیشاه، محمدبن زین‌العابدین. ۱۳۸۲. طرائق‌الحقایق. به کوشش محمدجعفر محجوب. تهران: سنائی.

مولانا شیخ. ۱۳۸۰. خوارق عادات احرار (مندرج در احوال و سخنان خواجه عبدالله احرار). به تصحیح، مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی. ۱۳۷۳. مثنوی معنوی. به تصحیح توفیق سبحانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میبودی، رشیدالدین ابوالفضل. ۱۳۷۱. کشف‌الأسرار. به تصحیح علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.

۲۷۴/ فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی ————— سید جلال موسوی

میرباقری فرد، سید علی اصغر و الهام شایان. ۱۳۹۱. «سیر عرفانی قرب در متون عرفانی تا سده هفتم هجری»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، س چهارم، ش ۱، (پیاپی ۱۳).

مینوی، مجتبی. ۱۳۶۳. *احوال و اقوال خرقانی*. چ سوم. تهران: طهوری.

نیهانی، یوسف بن اسمعیل. ۱۳۲۴ق. *جامع کرامات الاولیاء*. قاهره.

نظامی باخرزی، عبدالواسع. ۱۳۸۳. *مقامات جامی*. به تصحیح نجیب مایل هروی. چ دوم. تهران: نی.

هجویری، ابوالحسن علی. ۱۳۷۵. *کشف‌المحجوب*. به تصحیح ژوکوفسکی والتین آلکسی یریچ. تهران: طهوری.

هدایت، رضاقلی بن محمدهادی. ۱۳۱۶. *ریاض‌العارفین*. تصحیح مهدی‌قلی هدایت. تهران: کتابخانه مهدیه.

References

- Āzādiyān, Shahrām. (2006/1385SH). "Do taghsimbandi az kerāmāt-e soufiyeh". *The journal of Literature and humanities faculty of Tehrān University*. No. 179.
- Aflāki, Shams-oddin. Ahmad. (2006/1385SH). *Managheb-ol-'ārefin*. Ed. by Tahsin Yāsiji. 4th ed. Tehrān: Donyā-ye Ketāb.
- Al-salmi, Abou 'Abd-olrahmān Mohammad. (2003/1424H). *Tabaghāt-ossoufiyyeh*. Ed. by Mostafā 'Abd-olghāder. Beirut: Dār-ol-kotob-ol-'elniyah.
- Ansāri, Khājah 'Abdollāh. (1983/1362SH). *Tabaghāt-ossoufiyyeh*. Ed. by 'Abdol-hay Habibi Ghandehāri. With the effort of Hossein Āhi. Tehrān: Forouqi.
- Attār, Farid-oddin. (1905/1284SH). *Tazkarat-ol-owliyā'*. Ed. by R. A. Nicholson. 2 vols. Leiden: Matba'eh Leiden.
- 'Attār, Mohammad ben Ebrāhim. (2009/1388SH). *Tazkerat-ol-owliyā'*. Research, edition and explanations by Mohammad Este'lāmi. Tehrān: Zavvār.
- Baghli Shirāzi, Rouzbahān. (1987/1366SH). *'Abhar-ol-'āsheghin*. Ed. by Henri Korbin and Mohammad Mo'in. 3rd ed. Tehrān: Manouchehri.
- Bouzari-nezhād, Yahyā. (2011/1390SH). "tabyin-e falsafī-e mo'jezeh va karamat az didgāh-e Sohrevardi". *Āeineh Ma'refat*. Shahid Beheshti University. 29.
- Ghaznavi, Sadid-oddin Mohammad. (2005/1384SH). *Maghāmāt-e Zhendeh Pil*. Ed. by Heshmat Mo'ayyed. Tehrān: 'Elmi o Farhangi.
- Ghazzāli, Mohammad. (2007/1386SH). *Ehyā'-e 'oloum-eddin*. Ed. by Hosein khadive Jam. Vol. 4. Tehrān: 'Elmi o Farhangi.
- Gholām-hossein-zādeh, Gholām-hossein & Seyyed Jalāl Mousavi. (2010/1389SH). "naghd o tahlil-e kerāmāt-e Khājah 'Obeid-ollāh Ahrār". *The Quarterly Journal of Mytho-mystic Literature*. No. 20.
- Ghosheiri, 'Abdol-karim ibn Hovāzan. (1995/1374SH). *Resāleh-ye Ghosheiriyeh*. Ed. by Abou Badi'-ozzamān Forouzānfar. 4th ed. Tehrān: 'Elmi o Farhangi.
- Hāfez Abou-na'im Esfahāni, Ahmad ebn 'Abdollāh. (1986/1407H). *Helliyat-ol-owliyā' va tabaghāt-ol-asfiya'*. Vol. 5. Beirut: Dār-ol-kotob-ol'arabi.
- Hāfez Shirāzi, Shams-oddin Mohammad. (2006/1385H). *Divān-e Hāfez*. Ed. by Mohammad Ghazvini & Ghāsem Qani. Tehrān: Zavvār.
- Hedāyat, Rezā-gholi ben Mohammad Hvdī. (1937/1316SH). *Riyāz-ol-'ārefin*. Ed. by Mehdi Gholi Hedāyat. Tehrān: Mahdiyeh Library.

- Hojviri, Abol-hasan 'Ali. (1996/1375SH). *Kashf-ol-Mahjoub*. Ed. by V. Zhukovski and Valentine Aleksī Prich. Tehrān: Tahouri.
- Ibn Bazzāz, Tavakkol ben Esmā'eil. (1995/1373SH). *Safvat-ol-Safā (on behaviours, speeches and munificence of Sheikh Safi-eddin Eshagh Ardebili)*. Introduction and edition: Gholām Rezā Tabātabāei Majd. Tehrān: Zaryāb.
- Ibn Khamis-el-mouseli, Hossein ben Nasr ben Mohammad. (2006/1427H). *Manāgheb-ol-abrār va mahāsen-ol-akhbār fī tabaghāt-ol-soufiyyeh*. Ed by Sa'eid 'Abdol-fattāh. 2 vols. Beirut: Dār-ol-kotob-ol-'elmiyyeh.
- Ibn Ziyārat, Abou-ya'ghoub Yousef. (2006/1427H). *Altashavvof elā rejāl-ol-tasavvof*. Research by 'Āli 'Omar. Ghāhereh: Maktabat-ol-Saghafat-ol-Diniyah.
- Ibn-el-molqan, Abou-hafas 'Omar ben 'Ali. (2006/1427H). *Tabaghāt-ol-owliyā'*. Ed. by Mostafā 'Abd-ol-ghāder. Beirut: Dār-ol-kotob-ol-'elmiyyeh.
- Jahāngiri, Mohsen. (2004/1383SH). "'erfān-e ebn-e Sinā va yv nazar-e ebn-e Sinā darbāreh-ye 'erfān". *Falsafeh*. Year 28. No. 9.
- Jāmi, Nour-oddin 'Abd-orrhāmān. (1858/1237SH). *Nafahāt-ol-ons*. Ed. by William Nasolios, Qolām 'eisā and Mowlavi 'Abd-ol-hamid. Kalkateh: Matba'eh Leisi.
- Kalābādi, Aboubakr Mohammad ibn Ebrāhim. (1992/1371SH). *Ta'arrof*. Mohammad Javād Shari'at. Tehrān: Asātir.
- Kāshāni, 'Ezz-oddin Mahmoud. (1988/1367SH). *Mesbāh-ol-hedāyah*. Ed. by Jalāl-eddin Homāei. Tehrān: Homā.
- Kāshefī, Hossein ebn 'Ali. (1977/1356SH). *Rashahāt-e 'Ein-ol-hayāt fī manāgheb-e mashāyekh-e tariqhe naghshbandiyyeh*. Ed. by 'Ali Asghar Mo'iniyān. 2 vols. Tehrān: Bonyād-e Nikoukari Zoriyāni.
- Khāledi Naghshbandi, 'Abd-ol-majid ebn Mohammad-Khani. (1925/1344H). *Anvar-ol-ghodsiyah fī manāgheb-e sādāt-e naghshbandiyyeh*. Mesr.
- Kharaghāni, Abol-hasan, 'Ali ebn Ahmad. (1990/1369SH). *Nour-ol-'elm*. With the explanation of behaviors, works and thoughts. With the effort of 'Abdo-ol-rafi' Haghghat. Tehrān: Bahjat.
- Mahmoud ben 'Osmān. (2001/1380SH). *Meftāh-ol-hedāyah*. Ed. by Manouchehr Mozaffariyān. Tehrān: Farhangestān-e Zabān 0 Adab-e Fārsi.
- Ma'soum 'Ali-shāh, Mohammad ben Zein-ol-'ābedin. (2003/1382SH). *Tarā'egh-ol-haghāyegh*. Ed. by Mohammad Ja'far Mahjoub. Tehrān: Sanāei.
- Minavi, Mojtabā. (1984/1363SH). *Ahvāl o aghvāl-e Kharaghāni*. 3rd ed. Tehrān: Tahouri.

- Mir-bāgheri fard, Seyyed 'Ali Asghar and Elhām Shāyān. (2012/1391SH). "seir-e 'erfāni-e ghorb dar motoun-e 'erfāni tā sadeh-ye haftom-e hejri. *Matn-shenāsi-ye Adab-e Fārsi*. Isfahan Literature and Humanities Faculty. New period. Year 4. No. 1. (consecutive 13).
- Mohammad ibn Monavvar. (1899/1278SH). *Asrār-ottowhid fi mghāmāt-e Abou-sa'eid Abolkheir*. San Peterzbourg. Elyās Mirzā Bourāghanski.
- Mostamli Bokhāri, Esmā'eil. (1984/1363SH). *Sharh-ol-ta'arof le-mazhab-el-tasavvof*. Ed. by Mohammad Rowshan. 5 vols. Tehrān: Asātir.
- Mowlānā Sheikh. (2001/1380SH). *Khavāregh-e 'ādāt-e ahrār (written in behaviours and speeches of Khājeh 'Obeid-ollāh Ahrār)*. Ed. by 'Aref Now-shāhi. Tehrān: Markaz-e Nashr-e Dāneshgāhi.
- Mowlavi, Jalāl-oddin Mohammad Balkhi. (1994/1373SH). *Masnavi ma'navi*. Ed. by Towfīgh Sobhāni. Tehrān: Vezārat-e Farhang o Ershād-e Eslāmi.
- Nezāmi Bākharzi, 'Abd-olvāse'. (2004/1383SH). *Maghāmāt-e Jāmi*. Ed. by Najib Māyel Heravi. 2nd ed. Tehrān: Ney.
- Nobhāni, Yousef ben Esmā'eil. (1906/1324H). *Jāme'-e Kerāmāt-ol-owliyā'*. 3 vols. Ghāhereh.
- Owhad-oddin Kermāni, Hāmed ibn ab-alfakhr. (1995/1374SH). *Manāgheb*. Ed. by Badi'-ozzamān Forouzānfār. Tehrān: Centre for Translation and Publication.
- Rashid-oddin Meibodi, Abolfazl. (1992/1371H). *Kashf-ol-asrār*. With the effort of 'Ali-asghar Hekmat. 10 vols. Tehrān: Amirkabir.
- Rokni Yazdi, Mehdi. (2010/1389SH). "kerāmat, emkvn-e voghou', āsib-shenāsi". *Meshkāt*. No. 106.
- Rouzbahān Sāni, Ebrāhim ebn sadr-eddin. (2003/1382SH). *Tohfeh-ye ahl-e 'erfān*. Ed. by Javvd Nour-bakhsh. Tehrān: Yaldā Ghalam.
- Sadr-oddin shirāzi, Mohammad ben Ebrāhim. (2002/1381SH). *Almabda' va alma'ād*. Tr. by Ahmad ben Mohammad-al-hosseini Ardakāni. With the effort of 'Abdollah Nourāni. Tehrān: Markaz-e Nashr-e Dāneshgāhi.
- Sālāri Shādi, 'Ali. (2007/1386SH). "bāz-negari dar ahvāl o monāsebāt-e Sheikh Safi-eddin Ardebili". *Vizheh-nāmehe-ye 'Elmi-pazhouheshi dāneshkadeh-ye adabiyāt o 'oloum-e ensāni-ye dāneshgāh-e Esfahān*. Period 2. No. 50.
- Sepahsālār, Fereidoun ben Ahmad. (2006/1385SH). *Resāleh-ye Sepahsālār*. Ed. by Mohammad Afshin Vafāei. Tehrān: Sokhan.
- Serāj Tousi, Abou-nasr. (1914/1293SH). *Al-loma' fe-ttasavvof*. Ed. by Rynold Alien Nicholson. Laiden: Matba'eh-ye Breil.
- Shah ne'mat-ollāh Vali. (2001/1380SH). *Divān-e Kāmel Shāh Ne'mat-ollāh Vali*. Ed. by 'Abbās Khayyt-zādeh. Kermān: Khanghāh-e Ne'mat-ollāhi.

- Shahbāzi, Iraj. (2007/1386SH). "*tabagheh-bandi ghesseh-hā-ye kervmat dar motoun-e 'erfāni-ye Mansour, tā āqāz-e gharn-e haftom*". Persian Language and Literature Dissertation. Under supervising Mohammad Rezā Shafī'ei Kadkani. Tehrān University Faculty of Literature and Humanities
- Shiri, Ghahramān. (2010/1389SH). "Ta'sir-e āyāt va revāyāt bar shekl-giri-ye kerāmāt". *Journal of Adab o 'Erfān*. No. 4.